دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۴۷-۷۸

بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان (مورد مطالعه : دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری)[۱]

علی اصغرعباسی اسفجیر[۲]

مجتبی اسفندیاری[۳]

چکیده

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت، از شاخص‌های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به‌شمار می‌رود. یکی از گروه‌های عمده جامعه دانشجویان می‌باشند. مشارکت سیاسی دانشجویان ، که از گروه های جمعیتی بزرگ در کشورهای در حال توسعه است اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی دارد. هدف این مقاله بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر مشارکت سیاسی دانشجویان ، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری می‌باشد. روش تحقیق پژوهش در جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش پیمایشی است. این مطالعه بر روی ۲۷۷ نفر از ، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری صورت گرفته و برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شده که اعتبار آن، به روش صوری، و پایایی آن، به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شده است و داده ها از طریق نرم افزار SPSS و LISREl تجزیه و تحلیل شدند. با تجزیه سرمایه اجتماعی به سه متغیر (حضوردرانجمن‌های داوطلبانه، میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی)، به همراه در نظر گرفتن میزان مشارکت سیاسی مشاهده می‌شود که همبستگی‌های معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد.

واژگان کلیدی: *مشارکت سیاسی،انجمن‌های داوطلبانه، اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی،ساری*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۱۸

[۱] یافته های این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با همین عنوان است که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری صورت گرفته است. که بدین وسیله از از مسئولین پژوهشی دانشگاه کمال امتنان را دارد.

[۲] گروه علوم اجتماعی ، واحد بابل ، دانشگاه آزاد اسلامی ، بابل ، ایران (نویسنده مسئول).

[۳] گروه معارف اسلامی ،واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی ، ساری ، ایران.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه و بیان مساله

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از مفاهیم اساسی جامعه شناسی سیاسی و نیز یکی از ارکان جامعه ی دموکراتیک، همچون بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی پیشینه ای دیرین دارد. اما مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در باره ی آن جدید است و به طور جدی از نیمه ی دوم سده ی بیستم مورد بحث وتحقیق صاحبنظران قرار گرفته است.مروری بر تحقیقات و آثار مهم انجام شده نشان می دهد که از اواخر دهه ی ۱۹۵۰ میلادی تحقیقات فراوانی(هم در بعد نظری و هم در بعد تجربی) در خصوص مشارکت سیاسی در نقاط مختلف جهان(اعم از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه) صورت پذیرفته است(بدیع،۱۹:۱۳۶۶).

مشارکت سیاسی به معنای فعالیت فردی یا جمعی اعضای سطوح مختلف نظام سیاسی و رَده بندی تمایلات و گرایش ها به منظور اداره امور سیاسی جامعه است (Rush,1992:110). امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین شاخص توسعه ملّت ها به امری گریز ناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم که گذار از سنّت به مُدرنیته را تجربه می کنند به شکلی حساس تر خود را نشان می دهد. دولت ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن در دهند.از طرف دیگر میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط مشی های سیاسی بر فرهنگ توسعه یافته و توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد. از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعّال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی و ضروری و ارزشی مطلوب برای دانشجویان و عموم جامعه است (غفاری هشجین و دیگران،۲۰۷:۱۳۷۹). در بین دانشجویان نیز به دلایل مختلف از جمله جوان بودن، تحرک، استقلال طلبی، نوجویی،آرمان گرایی، اصلاح گرایی، عدم محافظه کاری اقتصادی(به خاطر عدم وابستگی به شغل،خانواده و فرزند) و نیز به علت علاقه و شناختی که نسبت به مسائل جامعه پس از ورود به دانشگاه پیدا می کنند، از ویژگی های خاص خود برخوردار است(محمّدی،۱۳۶۷).

جوانان به اقتضای ماهیت دوره ای از زندگی که در آن به سر می برند، پیوسته در جستجوی پدیده های تازه، کشمکش قلمروهای جدید، تجربه سبک ها و اشکال نوین و بهره گیری از شیوه های

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

بدیع هستند. از این رو،به اشکال سنتی مشارکت سیاسی علاقه زیادی نشان نمی دهند و عرصه ها ، روش ها و شکل های نوین و پیوسته در حال تغییر و تحول را برای مشارکت و ابراز وجود سیاسی بر می گزینند. حتی اشکال سنتی مشارکت (نظیر مشارکت حزبی و انتخاباتی) نیز در صورتی می توانند برای جوانان تا حدودی جذاب واقع شوندکه در طراحی آنها از فن آوری ها ، روش ها و فنون جدید بهره گرفته شود. همچنین جوانان امروزی به شدت از مشارکت منفعلانه گریزانند و لذا در صورت علاقه به فعال گرایی، به گونه هایی از مشارکت روی می آورند که قدرت انتخاب و گزینشگری فعالانه را برای آنان فراهم آورد. حتی در فضاهای مجازی و در فعالیت های سیاسی دیجیتال نیز جوانان به فن آوری ها و فنونی استقبال نشان می دهند که، امکان گزینشگری فعالانه را برای آنان محفوظ نگه دارد. بنابراین، تلاش هایی که با هدف جلب مشارکت جوانان صورت می گیرد، اما از دید جوانان به دنبال استفاده ی ابزاری از آنان است و قدرت تصمیم گیری و انتخاب را از آنان سلب می کند، قرین مؤفقیت واقع نمی شود(تاج مزینانی،۱۳۷۲: ۱۵۴).

مشارکت سیاسی، در هر جامعه ای تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، باورهای مذهبی، پیشینه تاریخی آن جامعه شکل خاصی به خود می گیرد. تحقیقات نشان داده است که مشارکت سیاسی به لحاظ کیفی و کمی، تحت تأثیر عوامل متعددی است. این عوامل شامل پایگاه اجتماعی- اقتصادی، سن،جنس،نژاد،قومیت،ساختار سیاسی، مذهب و ارزش های فرهنگی، تحصیلات، شغل، محل سکونت، شخصیت و ویژگی های روحی – روانی افراد است. برخی بر تأثیر عوامل تحصیلات، درآمد و موقعیت اجتماعی در مشارکت سیاسی تأکید می ورزند(Nie & Verba ,1962). و عده ای نیز نقش احزاب را در بسیج مردم برای مشارکت سیاسی مهم تلقی می کنند(Rosenston & etal,1993). انگیزه افراد برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر فضای سیاسی حاکم از دیگر عواملی است که برخی پژوهشگران از آن به عنوان عامل مهم و تأثیرگذار در مشارکت سیاسی افراد یاد کرده اند.فایده مندی مشارکت سیاسی در این میان نقش اساسی داردو افراد پس از محاسبه سود و زیان مشارکت در صورتی مبادرت به این کار می کنند که فایده آن را بیش از زیانش تشخیص دهند(Lawrence & etal,1996).

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مبانی نظری وچارچوب نظری

نظریه کارل مارکس[۱]

رابطه طبقه با مشارکت سیاسی و نوع فعالیت های سیاسی یکی از مهمترین مباحث مورد بررسی در جامعه شناسی سیاسی است. در بسیاری از موارد مهمترین عامل تعیین کننده نوع مشارکت سیاسی را طبقه اجتماعی افراد قلمداد می کنند. حتی برخی معتقدند که بالاترین همبستگی بین متغیرهای مختلف و رفتار سیاسی آنان بیشتر به این عامل وابسته است، یعنی هر چند که با دانستن طبقه اجتماعی یک فرد نمی توان رفتار سیاسی وی را پیش بینی کرد، اما اختلاف رفتار سیاسی گروه های اجتماعی را به مقدار زیادی می توان از اختلافات طبقاتی آنها فهمید.

کارل مارکس از سردمداران این دیدگاه است. وی اساساً قدرت سیاسی را ناشی از قدرت اقتصادی می داند و معتقد است که در هر جامعه طبقه حاکم اقتصادی طبقه حاکم سیاسی نیز می باشد. او در بیانیه حزب کمونیست به صراحت اعلام می کند که دولت مدرن چیزی جز کمیته اجرایی طبقه بورژوازی نیست. در واقع در تحلیل مارکس، اقتصاد زیر بنا بوده و تعیین کننده سیاست است، که در روبنای اجتماعی قرار دارد. بنابراین دیدگاه، میزان و مشارکت سیاسی افراد را موقعیت طبقاتی و اقتصادی آنان تعیین می کند.

هر چند در همه مباحث مارکس، قدرت سیاسی از قدرت اقتصادی ناشی می شود. در نوشته های او همگونی کامل درباره نحوه رابطه اقتصادی و قدرت سیاسی وجود ندارد. گاهی وی رابطه ابزاری[۲] بین طبقه حاکم اقتصادی و دولت یا قدرت سیاسی برقرار می کند. چنان چه که در بیانیه حزب کمونیست اشاره شد. از این منظر طبقه حاکم اقتصادی دولت را شکل می دهد تا به وسیله آن منافع طبقه اقتصادی و طبقاتی خود را حفظ کند، و از آن برای سرکوب طبقه استثمار شده بهره بگیرد، گاهی هم مارکس رابطه بین طبقه حاکم اقتصادی و دولت را ساختاری می داند که در جهت حفظ منافع طبقه سرمایه دار عمل می کند. گاهی نیز این رابطه سیاسی را تعبیر می کند، بدین معنی که طبقه حاکم اقتصادی به سبب داشتن قدرت اقتصادی قادر است خود را سازماندهی کرده و به

---

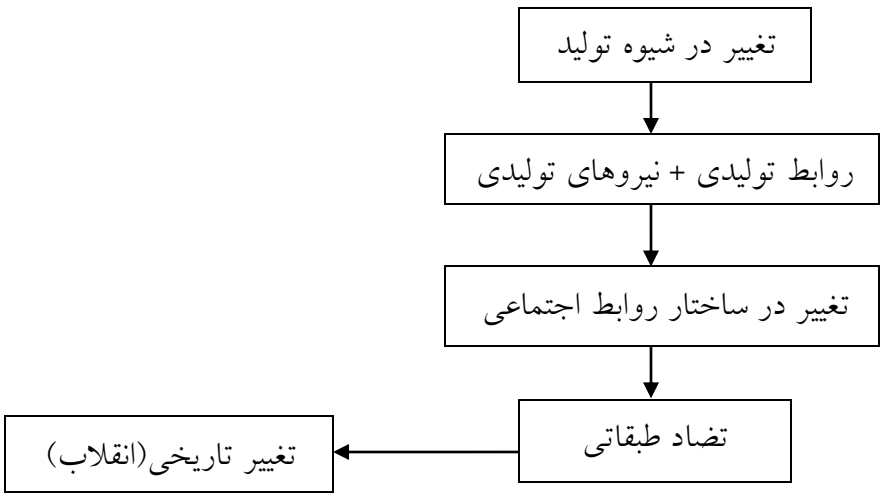
۱ (Karl Marx)

۲ (Instrumental)

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

قویترین قدرت سیاسی جامعه تبدیل شود و به کمک آن حکومت را در اختیار خود بگیرد(پناهی،۱۳۷۶: ۳۲-۳۱).

در تئوری مارکس نوع زندگی سیاسی تابع نوع شیوه تولید است.



نمودار شماره(۱): مُدل مارکس از انقلاب

بر اساس نظریه مارکس:

مشارکت سیاسی در جریان مبارزات طبقاتی شکل گرفته و ریشه در مناسبات تولیدی دارد.

اگر مبارزه طبقاتی رُخ دهد.مشارکت سیاسی رُخ می دهد.

نظریه سیمور مارتین لیپست [۱]

لیپست معتقد است که بین مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی و اقتصادی همبستگی بالایی وجود دارد، به طوری که طبقات اجتماعی با درآمدهای بالا مشارکت سیاسی بیشتری از طبقات پایین تر دارند. مثلاً صاحبان درآمد بالا بیشتر از صاحبان درآمد پایین در انتخابات شرکت می کنند و یا کارگران و معدنچیان بیشتر از کشاورزان در انتخابات شرکت می کنند. می توان سؤال کرد که علت

۱. (**Seymour Martion Lpset**) [۱]

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مشارکت سیاسی بیشتر طبقات بالاتر چیست؟ جامعه شناسان سیاسی پاسخهای مختلفی به این سؤال داده اند، از جمله این که اعضای طبقات بالا در مشاغلی کار می کنند که بعد سیاسی قوی دارد و علاقه و مهارت های آنان را افزایش می دهد. همین طور به علّت داشتن تحصیلات بیشتر، آنها آگاهی سیاسی و اجتماعی بیشتری داشته و در نتیجه علاقه بیشتری برای مشارکت سیاسی دارند، بعلاوه اعضای طبقات بالای اجتماعی وقت آزاد بیشتری برای فعالیت های سیاسی دارند، در حالی که اعضای طبقات پایین تر، از همه این موارد محروم هستند و در نتیجه میزان مشارکت سیاسی آنها کمتر خواهد بود (پناهی،۱۳۷۶: ۳۳).

مُدل لیپست بر آن است که پدیده شرکت یا عدم شرکت اقشار و گروههای مختلف اجتماعی را بر اساس چندین عامل کلی اجتماعی در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی نظیر انتخابات، انجمن ها، سَندیکاهای کارگری، شوراهای محلی و نظایر آن تبیین کند، وی با تبیین الگوی شرکت در انتخابات میان کشورهای مختلف(آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند و کشورهای دیگر) این الگو را در کشورهای مذکور کم و بیش یکسان می بیند. به این معنا که معتقد است در کلیه این کشورها میزان مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی در میان مردان، گروههای تحصیل کرده، متأهلین، شهرنشینان، افراد میانسال و نیز افراد دارای منزلت بالا و همچنین اعضای سازمانها، احزاب، سَندیکاها و شوراها بیشتر است(انصاری و دیگران،۱۳۷۰: ۱۰۲-۱۰۱).

لیپست علاوه بر تأکید بر همبستگی بین شهرنشینی، گسترش سواد و رسانه های گروهی و پیدایش نهادهای مشارکتی دموکراتیک، به تشریح طبقات اجتماعی در این امر می پردازد. بر این اساس، توسعه اقتصادی باعث افزایش در آمد می شود که این خود امنیت بیشتر اقتصادی و گسترش تحصیلات بالاتر را در پی دارد و می تواند اساس و شالوده دموکراسی را پی ریزی کند. نکته دیگر در رهیافت لیپست این است که افزایش ثروت بر طبقه متوسط مؤثر واقع می شود. باگسترش طبقه متوسط در کشورهای ثروتمند، نوعی طبقه بندی اجتماعی الماس گونه بوجود می آید. از آنجا که اعضای طبقه متوسط به سازمانهای سیاسی داوطلبانه (احزاب سیاسی و سایر انجمن ها) خواهند پیوست. بنابراین می توانند بر قدرت دولت نظارت کنند و به صورت منبع تشکیل افکار عمومی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

جدید بر رسانه های جمعی درآیند و نیز قادر خواهند بود شهروندان را در تحصیل مهارت های سیاسی آموزش دهند و سر انجام سبب ترغیب مشارکت سیاسی شوند(غفاری و نیازی،۱۳۷۶: ۵۵-۵۳).

در نتیجه در تئوری لیپست سطح دموکراتیزاسیون تابع سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی کشورهاست. توسعه اقتصادی از طریق ایجاد نگرش های دموکراتیک در افراد منجر به (دموکراتیزاسیون) مشارکت سیاسی می شود، در نظریه لیپست هر چه سطح رفاه یک کشور بالاتر باشد شانس آن کشور در دستیابی به دموکراسی بیشتر خواهد بود(کیویستو،۱۰۴:۱۳۶۷).

مُدرنیزاسیون از طریق ایجاد فرهنگ دموکراتیک + رشد طبقه متوسط + ظهور نیروهای اجتماعی جدید (بورژوازی صنعتی و طبقه کارگر) + ظهور جامعه مدنی، منجر به دمکراتیزاسیون می شود.

به نظر **لیپست** کشورهایی که همراه رشد اقتصادی از طبقه متوسط بالاتری برخوردار باشند دموکراتیک تر از کشورهایی هستند که این زمینه در آنها کمتر می باشد. او در این رابطه به ویژگی های طبقه متوسط به عنوان مؤلفه های مثبت برای توسعه دموکراتیک اشاره دارد. لیپست و دوز در تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی و مشارکت مردم در کشورهای آمریکا و کانادا،بریتانیا و استرالیا بر عوامل و متغیرهایی تأکید می ورزند که به اعتقادشان بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارد ولی شدت و الگوی این تأثیر گذاری ثابت نبوده است. مهمترین این عوامل عبارتند از: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نژاد،روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه ای. از نظر آنان در کشورهای فوق بجز آمریکا عواملی مانند سن و جنسیت از جمله متغیرهای مهم مؤثر بر مشارکت سیاسی می باشند. همان طور که گفته شد شدت تأثیر گذاری عوامل مذکور در همه کشورها به یک اندازه نبوده و نمی توان به یک الگوی چندان ثابتی در رفتار مشارکتی شهروندان در آن دست یافت. به عنوان نمونه بین موقعیت های اجتماعی افراد جامعه و پنداشته های سیاسی و گرایش های عقیدتی و حزبی آنان رابطه ثابتی وجود ندارد، به طوری که بسیاری از افرادی که وضعیت اقتصادی مطلوبی ندارند، در فعالیت های سیاسی به نفع احزاب محافظه کار و افراد سرمایه دار رأی می دهند و بر عکس(لیپست و دوز،۳۹۶:۱۳۶۳).

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

نظریه ساموئل هانتینگتن[۱]

از دیدگاه هانتینگتن فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی از دو طریق می تواند به گسترش مشارکت اجتماعی و سیاسی بیانجامد. یک طریق آن از مجرای تحرک اجتماعی است. با شروع توسعه اقتصادی و اجتماعی که منجر به تحرک اجتماعی و ظهور قشر جدیدی از افراد تحصیل کرده مانندمتخصّصان، مدیران، کارگران، تکنوکرات ها و روشنفکران می شود که از آگاهی سیاسی بالاتری برخوردارند و این به نوبه خود در فرد احساس توانمندی و نگرش های معطوف به توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی را ایجاد می کند و این نگرش ها در مجموع می تواند مشوق مشارکت در فعالیت های اجتماعی یا امور سیاسی باشد. در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر اجتماعی و سیاسی به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت های سیاسی و اجتماعی به حساب می آید.

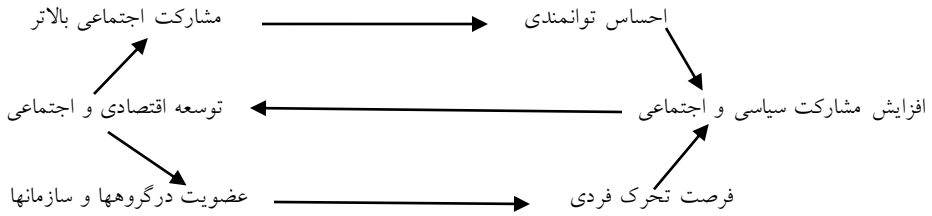
از نظر او از بین متغیرهای منزلتی، سطح تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی و اجتماعی فرد دارد. طریق دوم تأثیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بر امر مشارکت، مجرای سازمانی، یعنی عضویت فرد در انواع گروهها و سازمانهای اجتماعی مانند اتحادیه های شغلی و صنفی، گروههای مدافع منافع خاص و غیره است که احتمال مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی را افزایش می دهد. این عامل در جوامعی که فرصت های تحرک فردی در آنها محدودتر است اهمّیت بیشتری دارد، زیرا فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر، به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمانهای اجتماعی یا احزاب سیاسی می پردازد. در مجموع از دیدگاه هانتینگتون در اثر گذاری این دو عامل(منزلت اجتماعی و اقتصادی و دخالت در فعالیت های اجتماعی و سازمانها) عامل دوم از اهمیت بیشتری برخوردار است.

---

۱ (**Samuel Humtington**)

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مُدل مطالعه هانتینگتون را به شکل زیر میتوان ترسیم نمود(خاکساری،۴۶:۱۳۷۰، غفاری،۵۶:۱۳۷۶).



نمودار شماره(۲): مُدل مطالعه هانتینگتون از مشارکت سیاسی و اجتماعی

هانتینگتون و نلسون مشارکت سیاسی را از عوامل اصلی توسعه سیاسی می دانند.آنان مشارکت سیاسی را تابع دو عامل نگرش و اولویت های نخبگان سیاسی و وضع گروه ها و انجمن ها و نهادهای اجتماعی واسطه در خود جامعه می دانند و معتقدند که فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق دو مجرا سر انجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد :

الف. مجرای تحرک اجتماعی به این معنی که کسب منزلت های بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش های معطوف به توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم گیری های دستگاه های عمومی را ایجاد می کند و این عوامل ذهنی در مجموع می تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت های اجتماعی باشد. در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر سیاسی به عنوان متغیر های میانی، مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی می شود. به نظر این دو نویسنده، از میان متغیرهای منزلتی، میزان سواد یا تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد.

ب.مجرای سازمانی یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه ها و سازمان های اجتماعی(اتحادیه های شغلی و صنفی، گروه های مدافع علائق خاص و نظایر آن ها) است که احتمال مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می کند. این عوامل در جوامعی که فرصت های تحرک فردی در آنها محدود تر است، اهمیت بیشتری دارد زیرا همانطور که گفته شد فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمان

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

های اجتماعی یا احزاب سیاسی می پردازد اما بطور کلی دخالت در فعالیت سازمان ها در تبیین تفاوت سطوح مشارکت سیاسی، از منزلت اجتماعی- اقتصادی مهم تر است(رضایی،۱۳۶۵: ۵۶-۵۴).

نظریه دانیل لرنر[۱]

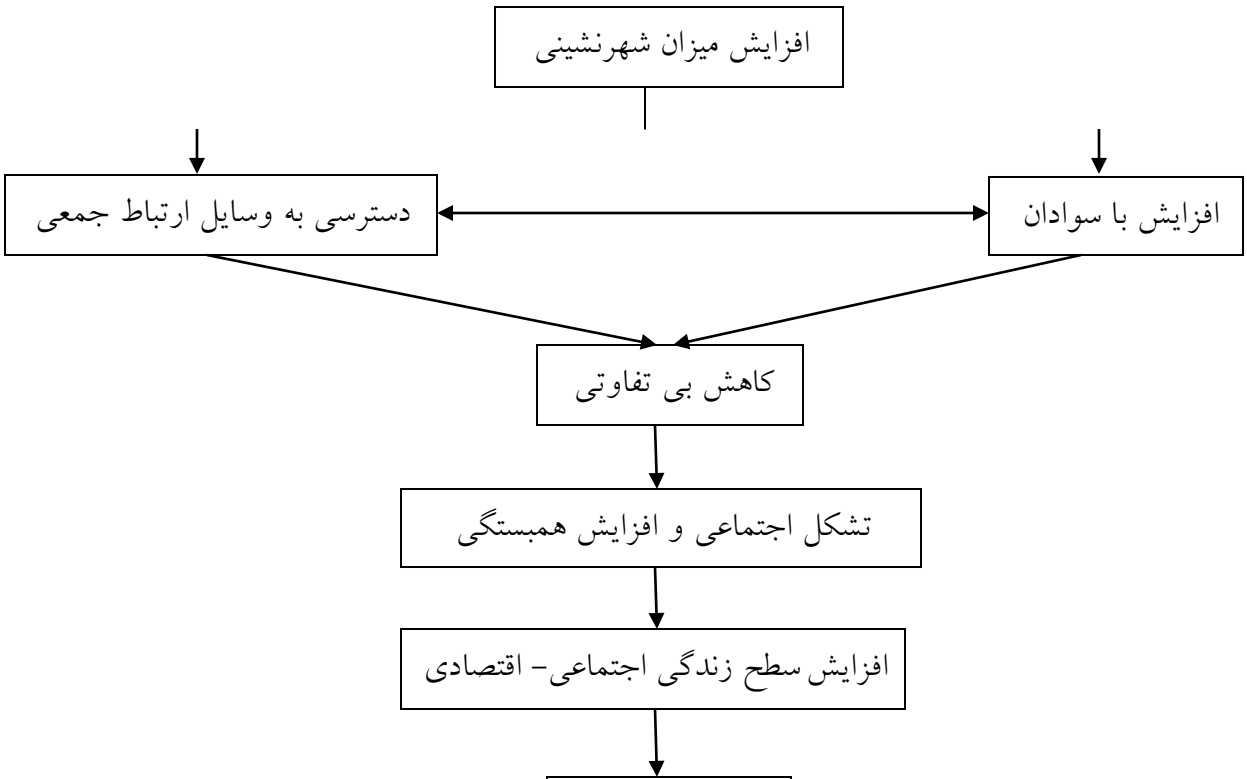
لرنر در اثر کلاسیک خود، تحت عنوان" گذار جامعه سنتی" نوسازی خاورمیانه(۱۹۷۵) که حاصل مطالعه شش کشور در حال توسعه(ایران، ترکیه، لبنان، مصر، سوریه و اُردن) است استدلال می کند که مطالعه مشارکت و توسعه در هر جامعه ای مستلزم عواملی از جمله: سواد، شهرنشینی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی است، وی با تأکید بر نقش ارتباطات، آن را زمینه ساز بسیج می داند و معتقد است که ارتباطات، مشارکت و توسعه سیاسی را سازمان می بخشد، در نهایت لرنر به این نتیجه می رسد که میان وجود و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد(پناهی،۹۶:۱۳۷۳، ازکیا،۱۰۷:۱۳۶۶).

دانیل لرنر در اثر کلاسیک خود " گذار از جامعه سنتی" (۱۹۷۵) با ارجاع به الگوی توسعه غرب، معتقد است که فرآیند مشارکت و توسعه سیاسی در تمام جوامع یکسان است و در واقع از یک مکانیسم علمی خطی تبعیت می کند، از این رو به این نتیجه می رسد که: میان وجود و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی بین شهری و مشارکت و میان تحصیل و سواد با مشارکت همبستگی با معنایی وجود دارد(مسعود نیا،۱۶۳:۱۳۷۵).بر طبق استدلال او پیدایش جامعه مبتنی بر مشارکت سیاسی متضمن وقوع توسعه شهرنشینی، توسعه آموزش عمومی و توسعه وسایل ارتباطی است. به نظر لرنر توسعه غرب الگویی جهانی است که طی آن افزایش اثر بخشی به افزایش سواد و آموزش، ارتباطات، افزایش مشارکت عمومی در زندگی و نهایتاً افزایش مشارکت سیاسی می انجامد(بشریه،۱۶:۱۳۷۱). وصریحاً بیان می دارد که الگوی توسعه غرب سبب شده است که خاورمیانه بدنبال همان چیزی باشد که غرب است. بدین گونه، حاصل بررسی های وی را می توان در مُدل زیر به تصویر کشید:

---

[۱] **(Daniel Lerner)**

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]



نمودار(۳): مُدل ... وسعه(مسعود نیا، ۱۳۷۰:۱۶۳).

نظریه آنتونی گیدنز[۱]

در انگلستان هم گیدنز صاحب نظر جامعه شناسی معاصر با بررسی و نقد دیدگاه های تقلیل گرایانه سعی کرده است، در قالب دیدگاهی تلفیقی و نوین کنش انسان را مورد تحلیل قرار دهد. او هم نظیر سایر صاحب نظران تلفیق گرا دو دسته از عوامل خرد و کلان مرتبط بهم را مورد توجه قرار می دهد، یکی از ساختارهای اجتماعی به عنوان قالب های عمل جمعی که می تواند برای کنش و کنشگر انسداد یا گشایش ایجاد نماید و دیگری ویژگی های عامل یا عاملیت که در تنظیم یا هدایت کنش مؤثر است. این دو دسته از عوامل در تعامل و ارتباط متقابل با تعیین کننده

(Anthony Giddens) ۱

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

الگوی کنش یا کنش افرادند به طوری که می توان کنش را برآیند یا سنتز دیالکتیکی عوامل ساختاری و شخصیتی دانست. به همین دلیل گیدنز با طرح مفهوم ساختاربندی[۱] وابستگی متقابل بین ساختار و کنش را مورد تأکید قرار می دهد.

گیدنز در بحث از روند تحول ساختارها و کنش ها با طرح مفهوم مدرنیته متأخر و تأکید بر سه نکته جهانی شدن[۲]، بازاندیشی[۳] و سنّت گرایی[۴] ، معتقد است که با گسترش فناوری های نوین ارتباطی، فشرده شدن زمان و مکان و پیدایش مفهوم فضا، امکان کنش های از راه دور و بهره گیری از یافته های علمی و فنی نوین برای هدایت کنش ها با نگاه به آینده پدید آمده است و لذا راههای نئولیبرآلیسم و سوسیال دموکراسی جای خود را به راه سوم می دهد. راهی که در آن کنشگران نسبت به فرآیند جهانی شدن نگرشی مثبت پیدا می کنند. آزادگی، مساوات طلبی، اعمال سیستم های رفاهی نوین، پیوند سیاست های فرهنگی و اجتماعی با سیاست های سیاسی و اقتصادی مورد تأکید قرار می گیرد. گیدنز در بحث دگردیسی صمیمیت و تحول الگوی تعامل بین زن و مرد معتقد است که با بسط هویت فردی، بازشدن فضای گفتگو و اعتماد متقابل دانشجویان، زمینه لازم برای برابری دانشجویان و مردان از لحاظ حقوق و وظایف شهروندی پدید می آید و تبعیض جنسیتی رو به زوال می رود(عبداللهی،۱۳۷۶: ۲۹-۲۷).

بر اساس دیدگاه گیدنز می توان گفت که بین نهادهای مدنی و ویژگی های دانشجویان پیوستگی متقابل وجود دارد. نهادهای مدنی جدای از کنش ها و فعالیت های مدنی افراد نیستند. نهادهای مدنی مناسب فعالیت های مدنی دانشجویان را تسهیل و فقدان و ضعف آنها فعالیت های مدنی را محدود و مشکل می سازد. دانشجویان هدایت کنش های خود روز به روز از گذشته فاصله بیشتری می گیرند و با نگاه به آینده و بهره برداری از یافته ای نوین

---

۱ (Structuration)

۲ (Globalization)

۳ (Reflexivity)

۴ (Detraditionalization)

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

علمی زندگی خود را سامان می بخشند. تعامل بین دانشجویان همزمان با فرآیند جهانی شدن از حد و مرزهای محلی و ملّی فراتر می رود و در بعد جهانی حقوق و وظایف شهروندان زن و مرد به رسمیت شناخته می شود و تبعیض جنسیتی به تدریج رنگ می بازد. هر چند نهادهای مدنی زمینه ساز فعالیت های مدنی هستند ولی دانشجویان بویژه دانشجویان برخوردار از ویژگی های فکری و شخصیتی عام به عنوان عاملان مُدرنیته خود در ایجاد و توسعه نهادهای مدنی نقش مؤثری ایفا می کنند.

مروری بر مطالعات سرمایه اجتماعی

جیمز کلمن در کتاب بنیان های نظریه اجتماعی به این موضوع علاقه نشان داده و چگونگی تأثیر ساختار اجتماعی را به عنوان یک منبع ارتقای سرمایه انسانی مورد مطالعه قرار داده است(کلمن، ۱۳۷۷).

پیر بوردیو که در سالهای پایانی قرن بیستم به مطالعه سرمایه اجتماعی پرداخته، نتیجه آن را پاداش اقتصادی دانسته است.

مفهوم سرمایه اجتماعی در دو- سه دهه گذشته در حوزه های اقتصاد، علوم اجتماعی و سایر حوزه های دانشگاهی مرتبط با توسعه مورد مطالعه قرار گرفته و در مباحث راهبردی و سیاستگذاری برای توسعه نیز جایگاه قابل توجهی یافته است.در کلی ترین سطح، سرمایه اجتماعی ویژگی هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می دهد(تاجبخش، ۱۳۸۵).

انواع سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی عمدتاً به دونوع درون گروهی ۱ و برون گروهی ۲ تقسیم می شود. سرمایه اجنماعی درون گروهی بین افرادی که ارتباطات صمیمی دارند اعتماد شخصی به وجود می آورد مانند

[1] Bonding Social Capital
[2] Bridging Social Capital

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

اعضای خانواده که به جهت وجود اعتماد بین آنها، معاملات اقتصادی به سهولت و معمولاً بدون اخذ تضمین و وثیقه و انعقاد قرارداد انجام می شود و در صورت بروز اختلاف، موضوع دوستانه و بدون ارجاع به دادگاه رفع می شود.

در سرمایه اجتماعی برون گروهی، اعتماد عام ایجاد می شود و اعتماد تعمیم می یابد مانند وقتی که به عموم افرادی که نمی شناسیم –از قبیل رانندگان و فروشندگان کالا و پزشکان– اعتماد می کنیم. این نوع اعتماد است که سرمایه اجتماعی را در سطح ملی گسترش می دهد و به ایجاد مفهوم ملت مدد می رساند.

منابع سرمایه اجتماعی

هر عاملی که اعتماد افراد را افزایش دهد و آنان را متمایل به مشارکت اجتماعی می کند، منابع تولید و ارتقای سرمایه اجتماعی است که عمدتاً در ۵ عامل اصلی به شرح زیر توضیح داده می شود:

درستکاری و صداقت: حقیقت، ارزش اعتماد ساز اصلی در اجتماعات است؛ حقیقت گرایی تمامی مردم بویژه مدیران تا احزاب، مطبوعات، سازمان ها، دادگاه ها و نخبگان.

وفای به عهد بویژه پایبندی به قراردادها علی الخصوص توسط دولت، اعتماد را ارتقا می بخشد و دروغگویی و عدم تحقق وعده ها مخصوصاً از سوی مسوؤلان اعتماد را ساقط می نماید.

مبانی هویت: شامل منابعی که مجموعه باورها، ارزش ها و معیارهای فرد را می سازد و فرد در ایجاد آنها به تنهایی دخالتی ندارد مانند ایدئولوژی، مذهب و فرهنگ. هر چه منابع تولید هویت غنی تر و هویت در برابر هویت های دیگر قوی تر باشد، به ارتقای سرمایه اجتماعی مدد می رساند.

منابع معرفت: شامل تمامی دانش ها، فنون، اطلاعات و اشاعه و توزیع آزاد آنها که موجب ادراک ارزش درونی فرد می شود و او در ایجاد و دریافت آنها دخالت دارد. هر چه تولید علم، فناوری و اطلاعات در جامعه ای افزونتر و توزیع آنها آزادتر باشد، سرمایه اجتماعی بیشتر می شود.

ترویج عدالت: نهادهایی که عملکرد عادلانه دارند، اعتماد را در جامعه تعمیم می دهند و تعمیق می

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

نمایند. مصداق عدالت در حوزه های اجتماعی، برابری افراد در برابر قانون و در مشارکت سیاسی است و در حوزه اقتصاد، برابری فرصت ها در دسترسی به امکانات زندگی است و از سوی دیگر هر چه نابرابری در ثروت بیشتر باشد، برقراری ارتباط، مشارکت و صداقت متقابل دشوارتر می شود(پاتنام، ۱۳۸۵).

اعمال تبعیض به ویژه به صورت سازمان یافته و بالاخص در نظام قضایی-که می باید محور عدالت گستری باشد- نیز در دراز مدت سقوط سرمایه اجتماعی را به همراه دارد.

وضعیت معیشت: دارایی افراد بر سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و فقر اثر منفی می گذارد. مطالعات زیادی، همبستگی مثبت بین ثروت افراد و تلاش جمعی و مشارکت اجتماعی را نشان داده اند. از جمله تحقیقی در شیکاگو به این نتیجه رسیده است که اجتماعاتی که در آنها میزان مالکیت مسکن بالاست، سطوح بسیار بالاتری را از همکاری جمعی به نمایش می گذارند(باولز، ۱۳۸۵).

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

بحث پیرامون مشارکت سیاسی آحاد جامعه،از جمله مباحثی است که از قدمت دیرینه ای برخوردار بوده و چگونگی مشارکت ساسی شهروندان، یکی از اساسی ترین دغدغه های خاطر سیاست اندیشان را تشکیل می داده است(ارسطو،۱۳۶۴).

اما با وجود این پیشینه دراز، از مشارکت سیاسی به عنوان پدیده ای جدید که در ارتباط تنگاتنگ با دولت های مُدرن و ملاک سنجش مشروعیت آنها است، یاد می شود(فیرحی،۱۳۶۶).

به لحظ گستردگی دامنه مشارکت سیاسی، از این واژه تعاریف مختلفی به عمل آمده است که به لحاظ تفاوت در مصداق ها و حیطه عمل، حاکی از عدم توافق بر سر یک تعریف جامع بوده و بیانگر عدم اجماع در شاخص ها و مؤلفه های این پدیده است. برخی عنصر قانونی بودن را برای مشارکت لازم دانسته و مشارکت سیاسی را " اعمال قانونی که شهروند عادی با هدف تأثیر بر هیأت حاکمه و عملکرد ایشان انجام می دهد" تعریف می کنند(هبه رئوف،۹۶:۱۳۶۶).

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مشارکت سیاسی را می توان مجموعه تلاش ها و کنش هایی دانست که از طرف آحاد جامعه به گونه ای سازمان یافته یا بدون سازمان، برای تأثیر گذاری بر فرآیند تصمیم گیری های سیاسی در ساختار قدرت دولتی صورت می گیرند. به عبارت دیگر مردم از طریق مشارکت سیاسی می خواهند بر اتخاذ تصمیمات توسط حکومت و یا چگونگی اجرای آن تأثیر بگذارند؛ در واقع مشارکت سیاسی مجموعه افعالی است که شهروندان برای نقد و تأثیر گذاری بر سیاست و حکومت انجام می دهند(کامران، ۱۳۷۰).

مشارکت سیاسی به معنی نحوه سلوک فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم در گیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است.مشارکت سیاسی در قالب سبک های مختلف نیز صورت بندی شده است؛ سبک هایی که رفتار رأی دهی، فعالیت انتخاباتی و حزبی، فعالیت اجتماعی، تماس با صاحب منصبان، اعتراض، و وارد شدن در فرآیند ارتباط سیاسی را شامل می شود(میلبرث و گوئل،۱۳۷۶: ۲۶).

جدول ۱- متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی

متغیرهای ذهنی- نگرشی	متغیرهای عینی
۱.احساس اثربخشی؛۲.دانش ومهارت سیاسی؛۳.احساس بی قدرتی؛۴.اعتماد به کارآیی مسئولان سیاسی؛۵.اعتماد به کارآمد و حقانیت نظام های سیاسی و نهادهای آن؛۶.فرهنگ سیاسی اقتدارگرا یا دموکراتیک.	۱.موانع ساختاری مشارکت؛۲.فرآیند جامعه پذیری سیاسی؛۳.جایگاه طبقاتی؛۴.منزلت اجتماعی(تحصیلات،قومیت،محل سکونت و...)؛۵.محیط سیاسی؛۶.منابع در دسترس(پول،رسانه،شبکه اجتماعی و...).

لستر میل براث مشارکت سیاسی را مجموعه ای از فعالیت ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی می داند. در این تعریف حیطه عمل مردم را در امر مشارکت سیاسی شامل فشار، رقابت و تأثیر گذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است(چابکی،۱۳۷۱: ۱۱۰).

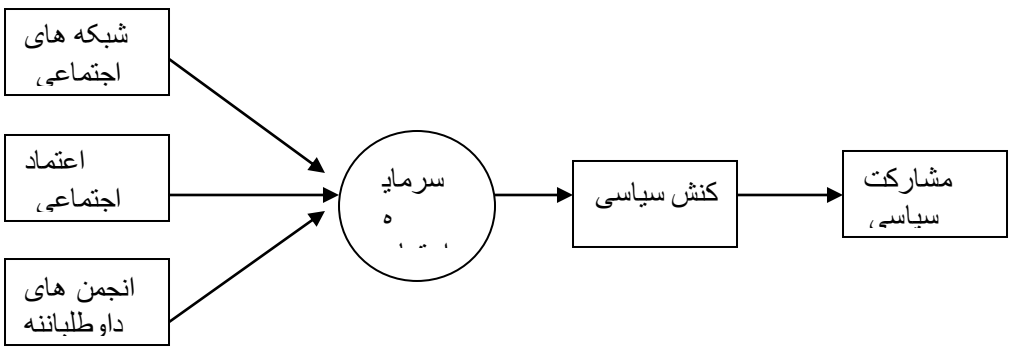
[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

جدول ۲ : ضریب همبستگی اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی با شاخص‌های مختلف کنش سیاسی

	اعتماد اجتماعی	شاخص سرمایه اجتماعی
حقوق سیاسی	۰/۳۱۹	۰/۳۶۷
آزادی های مدنی	۰/۴۰۴	۰/۴۸۳
ثبات سیاسی	۰/۶۷۶	۰/۶۸۰
نقش قانون	۰/۶۷۶	۰/۷۲۳
کارآمدی دولت	۰/۶۲۴	۰/۶۷۷

Knack, S. And Keefer, P. (1997)

بطور کلی ارقام جدول (۲) نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌هایی مانند وجود حقوق سیاسی، وجود آزادی‌های مدنی، ثبات سیاسی، نقش قانون و کارآمدی دولت رابطه مثبت و کاملاً معناداری وجود دارد. بویژه رابطه سرمایه اجتماعی با ثبات سیاسی، نقش قانون و کارآمدی دولت بسیار بیشتر از بقیه موارد است. زیرا وجودسرمایه اجتماعی کمک می‌کند که اعتماد بین دولت و مردم بیشتر باشد و از این طریق کارآمدی دولت را افزایش می‌دهد. همچنین هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد رعایت و اجرای قانون نیز از طرف دولت و مردم بیشتر می‌گردد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی و قانون ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند.



نمودار (۴):مدل مفهومی تبیین مشارکت سیاسی از طریق سرمایه اجتماعی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

اصول روشی :

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی روش پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری از تمامی رشته ها در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در سال تحصیلی در سال ۹۵-۱۳۹۴ بوده است. حجم نمونه ۲۷۷ نفر بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه ای مبتنی بر خوشه دانشکده انتخاب شدند.

بدین شیوه که ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند و بعد از حذف پرسش نامه های مخدوش ۲۷۷ پرسش نامه باقی ماند. با شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مر حله ای هر دانشکده به عنوان یک خوشه و در دانشکده، هر کلاس به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد.

$$n = \frac{Nt^2 p(1-p)}{Nd^2 + t^2 p(1-p)}$$

ابزارهای سنجش شامل ۲ پرسش نامه بود که عبارتند از:پرسش نامه محقق ساخته مشارکت سیاسی: برای سنجش مشارکت سیاسی از پرسش نامه از نوع سنج لیکرت استفاده شد. این پرسش نامه با بهره گیری از مقیاس لیکرت توسط محقق ساخته شد که دارای ۹گویه است وپرسش نامه محقق ساخته مربوط به سرمایه اجتماعی که داری ۱۶ گویه و سه بعد سرمایه اجتماعی را اندازه گیری می کند.۴ گویه مربوط به شبکه های اجتماعی و ۹ گویه مربوط به اعتماد اجتماعی و ۳ گویه مربوط به انجمن های داوطلبانه می باشد.

اعتبار و روایی ابزار:

اعتبار به معنی آن است که آیا روش انتخاب شده برای سنجش موضوع مورد نظر مناسب است و آن را می سنجد یا نه؟ (رفیع پور،۱۳۷۵: ۱۴۲). در این تحقیق ،سنجش میزان روایی ابزار اندازه گیری از طریق اعتبار محتوا (اعتبار صوری) انجام گرفته است .بدین معنی که در این روش ،پرسش نامه پس از تدوین اولیه با تنی چند از کارشناسان ومحققان موضوعی در میان گذاشته شد وپس از بازخورد نظرات آنان در پرسش نامه واصلاح آن،قابلیت اعتبار پرسش نامه مورد سنجش قرار گرفت.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

برای سجش میزان روایی ابزار اندازه گیری (دال بر تکرار پذیری وتعمیم پذیری پرسش نامه) از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است .بدین صورت که ابتدا ۷۰پرسش نامه جهت پیش آزمون انتخاب شده و پرسش نامه

اولیه تحقیق در میان آنها تکمیل شد.سپس میزان آلفای کرونباخ مقیاس های پرسش نامه محاسبه و بعد از اصلاح پرسش نامه (حذف گویه های زائد واضافه کردن گویه های لازم)،پرسش نامه نهایی تحقیق تدوین ودر میان نمونه آماری منتخب از جامعه آماری تکمیل شددر اینجا مقدار آلفا نشان می دهد که میزان پایایی پرسش نامه در حد مناسب است واین نشان گر میزان هم سازی درونی گویه های مربوط به این مقیاس ها در جهت سنجش وبررسی آن ها می باشد ضمن آن که مقدار آلفای کل مربوط به مقیاس ها ۷۷ /. می باشد.

یافته های پژوهش

غربالگری و بررسی اولیه داده ها

نیکوئی سنجش متغیر سرمایه‌اجتماعی و مشارکت سیاسی (اعتبار و روایی):

طبق جدول (۱) از دیدگاه لی. جی. کرونباخ[۱]، با استفاده از ضریب روایی و آزمون تحلیل گویه‌ها همزمان قابلیتِ اطمینان همبستگی گویه‌ها انجام می‌گیرد (دِواس،۱۳۷۶،ص۲۶۲-۲۵۳)؛ که در اینجا همه گویه‌ها درقالب متغیرهای اصلی از روایی قابل قبولی[۲] برخوردارند.

۱. آزمون کفایتِ نمونه‌برداری کیزر-مایر-اُلکین[۳] (ساروخانی،۱۳۸۶،ص۲۲۲-۲۱۰). برمبنای تحلیل عاملی تأئیدی مقدار کی.ام.او در بین کلیه متغیرهای اصلی بیش از۷۰ درصد برآورد شده است.

[۱] ***Cronbach, L. G.***

[۲] ***Alpha ≥ 0.70***

[۳] ***Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy = KMO***

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

۲. آزمون تقریبی کُرَویتِ بارتلت ۱ (سرمد و حجازی،۱۳۷۲،ص۲۷۴-۲۶۷). این آزمون با مقدار مجذور کای ۲ در سطح معناداری قابل قبول نشان دهنده معناداری ماتریس داده‌ها و وجود حداقل شرط لازم روایی را دارد.

لذا بدین وسیله کفایتِ ماتریس همبستگی گویه‌های مربوط به متغیرهای اصلی و احرازِ اعتبار سازه‌ای پرسشنامه تحقیق اعلام می‌گردد.

جدول (۳): آزمون تحلیل گویه‌ها و آزمون تحلیل عاملی (نیکوئی سنجش متغیرهای اصلی تحقیق)

متغیرهای اصلی تحقیق	ضریب آلفا کرونباخ	آزمون کفایتِ نمونه‌برداری کیزر-مایر-اُلکین
انجمن های داوطلبانه	0.79	0.73
اعتماد اجتماعی	0.72	0.79
شبکه های اجتماعی	0.77	0.77
مشارکت ساسی	0.70	0.74

فاز اول تحلیل آماری (تحلیل رگرسیونی):

جدول (۴): آزمون رگرسیون چندگانهٔ عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان

	عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان	R	R^2	Adj. R^2	Change Statistics		
					R^2 Change	F Change	Sig. F Change
۱	انجمن های داوطلبانه	۰/۶۷	۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۴۴	197/98	۰/۰۰۰
۲	انجمن های داوطلبانه + اعتماد اجتماعی	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۰۶	47/41	۰/۰۰۰
۳	انجمن های داوطلبانه+اعتماد اجتماعی + شبکه های اجتماعی	۰/۷۳	۰/۵۴	۰/۵۳	۰/۰۳	27/73	۰/۰۰۰

[1] *Bartlett's Test of Sphericity Approx. Chi-Square= BTS*

[2] *Chi-Square=χ2*

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

بر اساس جدول (۴) آزمون رگرسیون چندگانهٔ عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان ، در

۱. مدل ۱ ، شبکه های اجتماعی ، ۴۴٪ از واریانس مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند.

۲. در مدل ۲ با اضافه شدن اعتماد اجتماعی، ۵۰٪ از واریانس مشارکت سیاسی تبیین می‌گردد (۶٪ ارتقای واریانس تبیین شده).

۳. در مدل ۳ با اضافه شدن انجمن های داوطلبانه، ۵۳٪ از واریانس مشارکت سیاسی تبیین می‌گردد (۳٪ ارتقای واریانس تبیین شده).

جدول (۵): آزمون رگرسیون چندگانهٔ عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان

عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان		α Constant	B	β Beta	Sig.	Collinearity Statistics	
						Tolerance	VIF
۱	انجمن های داوطلبانه	+.59	+.49	+.42	.000	0.44	2.25
۲	اعتماد اجتماعی		+.30	+.29	.000	0.69	1.45
۳	شبکه های اجتماعی		+.19	+.17	.000	0.77	1.01

طبق جدول (۵) براساس تحلیل رگرسیون چندگانه با توجه به نیکوئی برازش مُدل‌های رگرسیونی برای تبیین اثراتِ جداگانه متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر تأثیرپذیر (حبیب‌پور و صفری،۱۳۷۷،ص۵۳۴-۵۱۶)، برمبنای آماره‌های تشخیص‌های هم‌خطی، ضریب تحمل که اندازه‌هائی برای نمایشِ همبستگی میان متغیرهای مستقل (بین صفر و یک) می‌باشد؛پیش شرط های رگرسیونی برقرار است.واز این پیش فرض تخطی نشده است.

بنابراین طبق معادلهٔ رگرسیون استاندارد، براساس سهمِ بتا انجمن های داوطلبانه (.42+) و اعتماد اجتماعی (.29+)، و شبکه های اجتماعی (.29+) در تبیین مشارکت سیاسی(y) ایفا می‌نمایند.

فاز دوم تحلیل آماری (تحلیل معادلات ساختاری):

در جدول زیر اطلاعات مربوط به مدل خلاصه شده فوق گزارش شده است.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

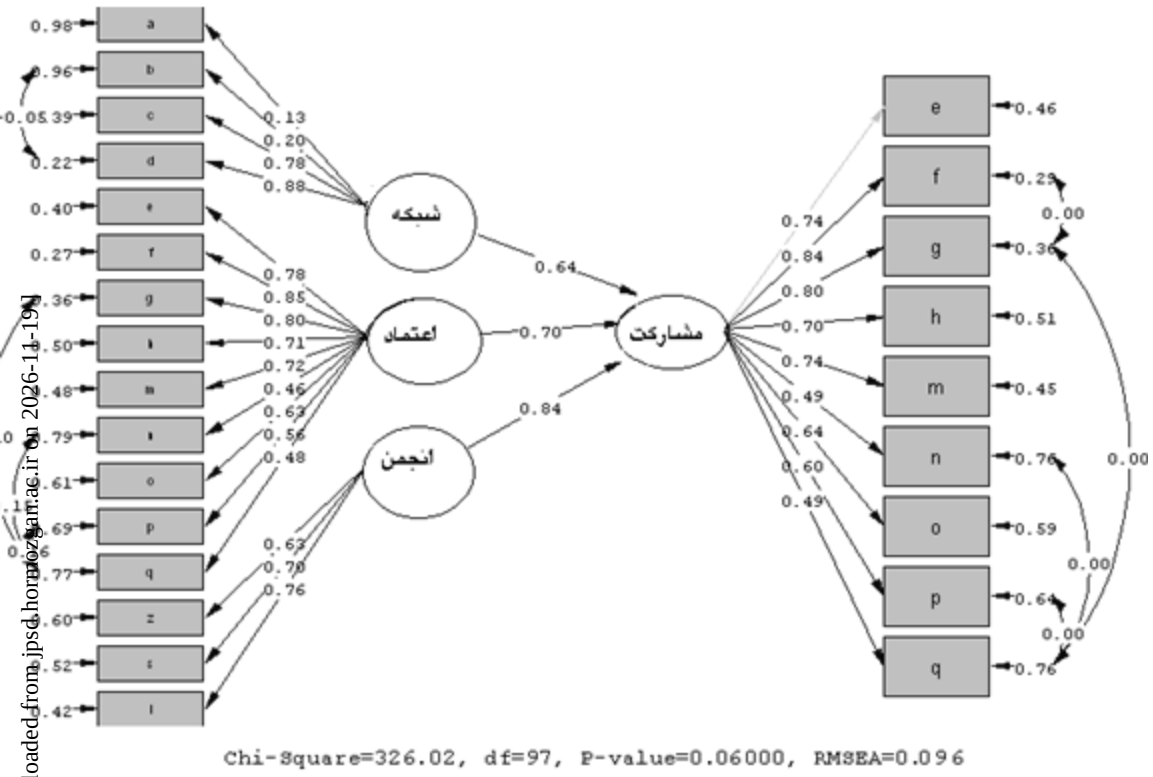
بیست و پنج گویه در این مدل حضور دارند که به عملیاتی کردن ۴ متغیر مکنون می پردازند.

سه متغیر مکنون یا نهفته ، مستقل اند.(انجمن های داوطلبانه+اعتماد اجتماعی + شبکه های اجتماعی)

یک متغیر مکنون یا نهفته ، وابسته است که متغیر وابسته نهایی (مشارکت سیاسی) تلقی می شود.

تعداد متغیر های ورودی	۲۵
Y= تعداد متغیر های ورودی وابسته	۹
X= تعداد متغیر های ورودی مستقل	۱۶
ETA = تعداد متغیر های مکنون وابسته	۱
KSIتعداد متغیر های مکنون مستقل	۳
تعداد	۲۷۷

نمودار(۵) معادلات ساختاری متغیرهای مستقل و وابسته



[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

جدول (۶) : شاخص های برازش مدل مسیر

AGFI	GFI	TLI	CFI	RMSEA
۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۰۹۶

بر اساس منطق تحلیل معادلات ساختاری همانطور که نمودار ۵ نشان می دهد میزان تاثیر مثبت عناصر سه گانه سرمایه اجتماعی (شبکه های اجتماعی و اعتماد اجتماعی و انجمن های داوطلبانه) بر متغیر وابسته برای شبکه۰/۶۴ و ۰/۷۰ برای اعتماد و ۰/۸۴ (مشارکت سیاسی) قابل استنتاج است که این تاثیر برای انجمن قابل قبول است. و این تاثیر گذاری در راستای تحلیل رگرسیون چند گانه است.

یعنی عناصر سه گانه سرمایه اجتماعی (شبکه های اجتماعی و اعتماد اجتماعی و انجمن های داوطلبانه) بر متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) اثر افزاینده و موثری دارند .

با این تفسیر می توان انتظار داشت که اگر سطح سرمایه اجتماعی در ابعاد سه گانه آن در جامعه ارتقا یابد میزان مشارکت سیاسی به طور قابل ملاحظه ای افزوده خواهد شد .

شاخص های برازش مدل نشان می دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است .

جدول ۶ شاخص های برازش مدل مسیر را نشان می دهد. همان گونه که مشاهده می شود شاخص نیکویی برازش تعدیل شده(ای جی اف آی) و شاخص برازش تطبیقی (سی اف آی) بالاتر از ۰/۹۰ و شاخص ریشه میانگین مجذورات خطاهای برآورد زیر ۰/۰۵ به دست آمده است که در مجموع نشان میدهد مدل با داده ها انطباق قابل قبولی دارد و قابل پذیرش است.

بحث و نتیجه گیری

موضوع مشارکت سیاسی دانشجویان، لزوم توجه به عوامل مرتبط با آن را ضروری می سازد. پرسش اساسی این پژوهش این بود که آیا رابطه ای میان سرمایه اجتماعی دانشجویان و مشارکت سیاسی این قشر وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به سؤال پژوهش و با توجه به چارچوب نظری سرمایه اجتماعی در میزان مشارکت سیاسی آنان تاثیر دارد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی دانشجویان ارتباط معنی داری وجود دارد. یافته ها نشان داد که انجمن های داوطلبانه بیشترین همبستگی را با وابسته دارد که این نتایج منطبق با پیشینه های تجربی است. سازمان های داوطلبانه به عنوان یکی از عرصه های مشارکت جدید در کشورهای در حال توسعه ، رو به رشد و گسترش می باشند. این سازمان ها سعی دارند تا با جلب مشارکت مردمی حضور مؤثری در اجتماع داشته و بتوانند تأثیر خود در روند رشد و توسعه را به اثبات برسانند. هر چند به نظر می رسد که در سطح کلی آگاهی و اطلاعات افراد از چگونگی فعالیت احزاب و سازمان های داوطلبانه بسیار پایین است، به طوری که درصد بسیار بالایی از افراد آگاهی و اطّلاعی دربارۀ چگونگی فعالیت احزاب و اکثریت افراد آگاهی دربارۀ عضویت در سازمان های داوطلبانه نداشتند.

متغیر اعتماد اجتماعی در گام دوم بیشترین ارتباط معنی داری را برای تبیین متغیر وابسته نشان داده است. این نتایج مطابق با پیشینه های تجربی می باشد. یعنی در جامعه ایران زمانی که اعتماد اجتماعی دانشجویان بالاتر باشد مشارکت آنان در فعالیت های گروهی و فعالیت های انتخاباتی افزایش می یابد. در واقع می توان گفت: اعتماد به عنوان پلی بین آگاهی و مشارکت دانشجویان عمل می کند. به عبارت دیگر مشارکت برآیندی از آگاهی و اعتماد است و تنها زمانی می توان ادعا کرد که سرمایه اجتماعی موجودیت واقعی یافته است که سرمایۀ اجتماعی از حالت ذهنی (آگاهی و اعتماد) یا به عبارت دیگر از حالت بالقوه به سرمایۀ اجتماعی بالفعل درآید و خود را در قالب رفتارهای مشارکت جویانه نشان دهد. طبق نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی زمانی که افراد از حوزه فردی خود خارج شده و وارد اجتماع بزرگتری می شوند، روابط بیشتری را با سایر افراد برقرار می سازند؛ این روابط زمانی قوت بیشتری خواهند گرفت که بین ایجادکنندگان آن ، اعتماد وجود داشته باشد که این اعتماد سبب می شود که افراد رابطه نزدیکتری با یکدیگر برقرار سازند، از سوی دیگر ایجاد روابط و برقراری اعتماد به هنجارهایی بستگی دارد که میان افراد بوجود می آید. این هنجارها سبب می شود تا افراد بتوانند به پیش بینی رفتار متقابل دست بزنند. افراد برای برقراری روابط بیشتر با دیگران باید در گروه های مشارکتی حاضر شده و با دیگران کنش متقابل داشته باشند. بنابراین این امر نیازمند مشارکت آنان در عرصه های اجتماع می باشد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

متغیر شبکه اجتماعی در گام سوم بیشترین وزن رگرسیون استاندارد را بر وابسته نشان داده است. این نتایج با یافته های لک و هوکفلد همسو می باشد. سرمایه اجتماعی گنجینه ای از منابع و شبکه های اجتماعی را برای تسهیل مشارکت سیاسی فراهم می کند. زمانی که سرمایه اجتماعی به آسانی در دسترس باشد، بدون توجه به نوع اجتماع، می توان صف های مشارکت سیاسی (یعنی آموزش، اشتغال، مهارتهای مدنی و غیره) را بر هم زد. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند فعالیت‌های اعتراض آمیز را سازماندهی کرده و در اطلاع رسانی روند رویدادها نقش آفرینی کنند. طبیعت اغلب غیر رسمی سرمایه اجتماعی دانشجویان به آنها اجازه می دهد تا بدون تطبیق با استانداردهای مردانه، محیط های غیر سیاسی را سیاسی کنند و بنابراین چنین فعالیتهایی را مخفی نگه دارند. شبکه های اجتماعی باعث می شود که احتمال مشارکت دانشجویان در امور سیاسی و جنبشهای اجتماعی نسبت به محافل سنتی بیشتر باشد.

نتایج فوق نشان می دهد که سرمایه اجتماعی دانشجویان که حکایت از منابع موجود در گروه های اجتماعی مرتبط با آنان و گستردگی شبکه ی روابط اجتماعی دارد، بر میزان روی آوردن ایشان به فعالیت های سیاسی مؤثر است. نتایج حاکی از این پژوهش نشان می دهد هر اندازه افراد در این ساختار دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، به این معنا که این سرمایه اجتماعی شامل مجموعه ای ارزشمند از اعتماد متقابل بین افراد، وجود شبکه های خویشاوندی و تعاملات اجتماعی و سازمان های داوطلبانه باشد، فعالیت های انتخاباتی، ارتباطات سیاسی و عضویت در گروههای سیاسی افراد بیشتر خواهد بود. به این ترتیب مشارکت و سرمایه اجتماعی ارتباط دوسویه و متقابلی دارند و افزایش هر یک موجب بالا رفتن سطح دیگری در جامعه خواهد شد. مشارکت بیشتر دانشجویان در جامعه موجب بالندگی و تسهیل توسعه کشور می شود، به تقویت هبستگی ملی دانشجویان کمک می کند و از یک نوع از خود بیگانگی و جدا دانستن دانشجویان از جامعه جلوگیری به عمل آورده است و فرد خود را جزیی از جامعه دانسته و در جهت توسعه آن تلاش می کند در نتیجه برای بهبود شاخص های توسعه تلاش بیشتری نموده و منابع ملی را در جهت این پیشرفت بسیج می نماید .

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

منابع فارسی:

آبرکرامبی، نیکلاس، استفن هیل و برایان اس. ترنر،۱۳۶۷، **فرهنگ جامعه شناسی**، ترجمه: حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.

ارسطو،۱۳۶۴ ،**سیاست** ،مترجم: حمیدعنایت ،تهران،انتشارات سپهر.

اسکیدمور، ویلیام، ۱۳۷۲، **نظریه های جامعه شناسی، تفکر نظری در جامعه شناسی**، ترجمه: حاضری و دیگران، تهران: انتشارات تابان.

اطاعت،جواد،۱۳۷۴،**نظام انتخاباتی و نظام سیاسی،مطالعه فرآیند دموکراتیزاسیون در ایران**،رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

آندرین،چارلز اِف و دیوید ای. اپتر،۱۳۸۰،**اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی**،مترجم:محمدرضا سعیدآبادی،تهران:پژوهشکده مطالعات راهبردی.

انصاری، حمید، کاظمی پور، شهلا، محسنی تبریزی، علیرضا، موسایی، میثم،۱۳۸۰، **پژوهش در وجه نظرها و رفتار مشارکتی مردم شهرستان تهران در مسائل مرتبط با وظایف ناجا و عوامل مؤثر بر آن**، دانشگاه تهران دانشکده علوم اجتماعی و مؤسسه تحقیقاتی تعاونی.

اینگلهارت،رونالد،۱۳۷۲،**تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**،مترجم:مریم وتر،تهران: انتشارات کویر.

باتامور،تی . بی،۱۳۶۹،**نخبگان و جامعه**،تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

باقی،عمادالدین،۱۳۷۷،**جنبش دانشجویی**،مصاحبه با روزنامه اخبار،۱۰ اسفند.

بدیع،برتران،۱۳۷۶،**توسعه سیاسی**،مترجم:احمد نقیب زاه،تهران:انتشارات قومس.

بستانی، حسن، ۱۳۸۲ ،**"بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنان و ارائه راه کارهای سیاست گذاری جهت تقویت این مشارکت"**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

بستانی، حسن، ۱۳۸۲،**"بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنان"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

بشریه، حسین،۱۳۸۱، **موانع توسعه سیاسی در ایران**، تهران: انتشارات گام نو.

بشیریه،حسین،۱۳۷۸،**جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران**،تهران:انتشارات نوین.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

بهمنی طراز، غدیر،۱۳۷۹، **" بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی.

پناهی، محمد حسین، ۱۳۸۳، **تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی**، فصلنامه علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۹-۲۸.

پناهی، محمد حسین، ۱۳۸۶، **جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان**، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

پناهی، محمد حسین، یزدان پناه، لیلا، ۱۳۸۳، **اثر ویژگی های فردی بر مشارکت اجتماعی**، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره۲۶.

پناهی،محمد حسین،۱۳۷۹،**بررسی زمینه ها و اهداف انقلاب اسلامی بر اساس شعارهای انقلاب**،فصلنامه علوم اجتماعی،تهران:انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی،شماره ۱۲-۱۱،صص ۸۴-۶۳.

پناهی،محمد حسین،۱۳۸۰،**مقایسه شعارهای انتخاباتی مجلس ششم با شعارهای انقلاب اسلامی**، فصلنامه علوم اجتماعی،تهران:انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی،شماره ۱۴-۱۳،صص ۴۵-۱.

پناهی،محمد حسین،۱۳۸۶،**جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان**،تهران:انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

تاج زاده، سیّد مصطفی، ۱۳۷۳،**"فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی در ایران پس از ۱۳۵۷"**، رساله کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تاج مزینانی،۱۳۸۲علی اکبر،**مشارکت سیاسی جوانان:ابعاد و پویایی ها**،مطالعات جوانان،سال اول،شماره ۵.

توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۰، **نظریه های جامعه شناسی**، تهران: انتشارات سمت.

جعفری یحفروزانی، مهرداد،۱۳۷۶ ،**"بررسی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل مؤثر بر آن"**، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اجتماعی.

چابکی ،ام البنین، ۱۳۸۱، **نقش عوامل روان شناختی در مشارکت سیاسی زنان**، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۹.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

چابکی،ام البنین،۱۳۸۲-۱۳۸۱، **جنسیت و مشارکت سیاسی،بررسی مقایسه ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران**،فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س) ،سال دوازدهم و سیزدهم،شماره ۴۴ و ۴۵.

حبیب پور، کریم/ صفری، رضا (۱۳۸۸) راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی. تهران: لویه/ متفکران

حبیب زاده مرو دشتی، فهیمه،۱۳۸۲ ،**"نقش هویت ملّی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی- اجتماعی آنها"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.

حجتی کرمانی، سوده، ۱۳۷۸ ،**"عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر انتخابات دوم خرداد(مناطق ۱۶و۱۳ تهران)"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران،

حریری اکبری،محمد،۱۳۷۷،**ریشه های فعالیت های سیاسی دانشجویان**،تبریز:انتشارات بیجا.

خاکساری، علی، ۱۳۸۰، **فرآیند مشارکت و سطوح آن، مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه مشارکت زنان**، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

خسروی، علی،۱۳۸۰،**" بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی فرهنگیان(مطالعه موردی شهر بوکان)"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

دارابی، مسعود،۱۳۸۹، **بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهر نهاوند(استان همدان)**، رساله کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی.

دیانتی نیت، جواد،۱۳۸۲،**" بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تبریز"**، پایان نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه تبریز دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

دواس، دیوید (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نائبی. تهران: نشرنی.

رئوف،هبه،۱۳۷۷،**مشارکت سیاسی زن**،مترجم:محسن آرمین،تهران:انتشارات قطره.

راش، مایکل، ۱۳۷۷، **جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: اتشارات سمت.

راش،مایکل،۱۳۷۷،**جامعه و سیاست**،مترجم:منوچهر صبوری،تهران:انتشارات صبوری.

رضایی،عبدالعلی،۱۳۷۵،**مشارکت اجتماعی،وسیله یا هدف یا ابزار توسعه**،فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی،شماره ۱۱۰ و ۱۰۹.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۲، **سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی**، تهران:مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.

ریتزر، جورج، ۱۳۷۴، **نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

زنجانی زاده،هما،۱۳۸۱، **مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن(چالش نوین)**،فصلنامه علوم اجتماعی،شماره ۱۹.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۶) روش های تحقیق در علوم اجتماعی (ج۳ – روش‌های کمی/ آمار پیشرفته). تهران: دیدار.

سرمد، زهره/ حجازی، الهه/ بازرگان، عباس (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.

سرمست، بهرام، ، ۱۳۷۴،**"کثرت گرایی سیاسی و بحران مشارکت سیاسی"**، رساله کارشناسی ارشد علوم اقتصادی و حقوقی دانشگاه شهید بهشتی.

سید امامی،کاووس و اصغر افتخاری و عبدالله عبدالمطلب،۱۳۸۵،**ارزش ها و نگرش ها و رفتار سیاسی جوانان**،گزارش طرح پژوهشی سازمان ملّی جوانان.

سید امامی،کاووس،۱۳۸۶، **مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش بینی کننده های مشارکت سیاسی**، پژوهشنامه علوم سیاسی،سال دوم، شماره ۱۰.

صالحی،عباس،۱۳۸۵،**در چیستی و چگونگی مشارکت سیاسی**،مجله پگاه، حوزه شماره ۲۰۰، نیمه دوم.

عالم،عبدالرحمن،۱۳۷۶،**بنیادهای علم سیاست**،تهران:انتشارات نی.

عبداللهی، محمّد،۱۳۸۷، **زنان در عرصه عمومی، عوامل- موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایران**،تهران: انتشارات دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.

عبدوس، صغری،۱۳۸۱، **" بررسی مشارکت سیاسی زنان استان سمنان از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۰"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

عدالتجو، ابراهیم خلیل، ۱۳۸۴ ، **" بررسی علل کاهش مشارکت مردم حوزه انتخابیه اردبیل، نیر و نمین در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

عرفانی،نصرالله،۱۳۸۳،**رابطه گرایش ارزشی و مشارکت جویی سیاسی دانش آموزان مراکز پیش دانشکاهی استان همدان**، گزارش طرح تحقیقاتی،شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان همدان.

غفاری هشجین،زاهد و عبدالرضا بیگی نیا و اکرم تصمیم قطعی،۱۳۸۹، **عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی وفنّی دانشگاه تهران**،دانش سیاسی، سال ششم،شماره دوم،صص ۲۴۰-۲۷۰.

غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن، ۱۳۸۶، **جامعه شناسی**، تهران: انتشارات نزدیک.

فتحی آشتیانی،علی،۱۳۷۷،**مقدمه ای بر روانشناسی سیاسی**،تهران:انتشارات بعثت.

فیرحی،داوود،۱۳۷۷،**مفهوم مشارکت سیاسی**،فصلنامه علوم سیاسی،سال اول،شماره ۱.

فیروزجائیان گلوگاه، علی اصغر، ۱۳۸۰ ،**"بررسی تأثیر وضیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنها(مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران) "**،پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

کازنو،ژان،۱۳۶۵،**جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی**،مترجم:باقر ساروخانی و منوچهر محسنی،تهران:انتشارات سروش.

کامران،فریدون، ۱۳۸۰، **مشارکت سیاسی کارگران**،تهران: انتشارات دانشیار.

کتابی،محمود و وحید قاسمی،۱۳۸۱، **نظریه مبادله و مشارکت سیاسی زنان در مراکز شهری استان اصفهان**، فصلنامه علوم اجتماعی.

کرایب، یان، ۱۳۷۸، **نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس**، ترجمه: عباس مخبر، تهران: انتشارات آگاه.

کمالی، اکبر،۱۳۸۲،**"بررسی علل نوسانات میزان مشارکت سیاسی مردم اصفهان در دوره های ششم، هفتم و هشتم انتخابات ریاست جمهوری"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی.،

کمانی ارکانی، علی اکبر،۱۳۷۲،**" بررسی مفهوم جامعه پذیری سیاسی(با نگاهی به روند جامعه پذیری سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی)"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع).

کوزر، لئوئیس، روزنبرگ، برنارد،۱۳۸۷، **نظریه های بنیادی جامعه شناسی**، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: انتشارات نی.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

کیویستو، پیتر،۱۳۷۸، **اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی**، ترجمه: منوچهر صبوری،تهران: انتشارات نی.

لهسائی زاده، عبدالعلی،۱۳۶۸، **نظریه های توسعه**، شیراز: نشریه دانشکده علوم انسانی، شماره ۲.

لیپست،مارتین و رابرت دوز،۱۳۷۳، **جامعه شناسی سیاسی**،مترجم:محمّد حسین فرجاد،تهران:انتشارات توس.

محمّدی،مجید،۱۳۷۸،**درآمدی بر رفتار شناسی سیاسی دانشجویان در ایران امروز**،تهران:انتشارات کویر.

مسعودنیا، ابراهیم، ۱۳۸۰، **تبیین جامعه شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی**، مجله اطّلاعات سیاسی- اقتصادی، ، شماره ۱۶۸-۱۶۷، صص۱۶۵-۱۵۲ ،انتشارات اطّلاعات.

مصفا، نسرین، ۱۳۷۴،**"مشارکت سیاسی زنان در ایران"**، رساله دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

مصفّا، نسرین، ۱۳۷۵، **مشارکت سیاسی زنان در ایرن**، تهران: وزارت امور خارجه.

مهدوی، غلامرضا، ۱۳۷۳،**"جایگاه مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

مهرداد، هرمز، ۱۳۷۶، **جامعه پذیری سیاسی**، تهران: انتشارات پاژنگ.

موسوی بجنوردی،سید محمد،۱۳۷۷،**نقش مشارکت سیاسی در مشروعیت حکومت اسلامی در مشارکت سیاسی**،به اهتمام علی اکبر علیخانی،تهران:انتشارات سفیر.

میلبرث، لستر و لیل گوئل،۱۳۸۶،**مشارکت سیاسی**،مترجم:رحیم ابوالحسنی،تهران:انتشارات میزان.

نجفی نژاد، علیرضا، ۱۳۸۳،**"تأثیر فرهنگ اجتماعی تراکمه بر میزان مشارکت سیاسی زنان ترکمن"**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

نسرین،مصفّا،۱۳۷۵،**مشارک سیاسی زنان در ایران**،تهران:وزارت امور خارجه.

نقیب زاده،احمد،۱۳۷۹،**درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی**،تهران:انتشارات سمت.

هانتینگتن، ساموئل، ۱۳۷۰، **سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علم.

وینر،مایرون و ساموئل هانتینگتون،۱۳۷۹،**درک توسعه سیاسی**،ترجمه و انتشار: تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

Almond & Verb, 1963, Civic culture, Princeton, NJ, Princeton Univercity, press.

Dahl,Roberta.1984, Modern political analysists, Fourth Edition, prentice Hau, Inc., New Jersy, USA.

Diamond,L.,J.Linz & S.Lipset,1989, Democracy in Developing Countries: Persistence, Failure, & Renewal, Boulder,Colorado: Lynne Rienner Publishers.

Diamond, Larry, 1994, Political Cultural Democracy in Developing Countries: Boulder, Colorado: Lynne Rienner Publishers.

Gaiser,Wolfgang & Rijike, John,2008, Political Participation of Youth Young Germans in the Eroupean Context, Asia Eroup journal, Springer, January,Vol.5.

Kamrava, Mehran, 1993, Politics and Society in the Third World, London: Routledge.

Knack, S. and Keefer, P. (1997), "Does Social Capital have an Economic Pay-off? A Cross Country Investing action", Quarterly Journal of Economics, 112,4, pp.1251-1288.

Lawrence,Leduc,Richard,G,Niemt,pippa Norris,1996,Comparning Democracies,sage Publications,New Delhi.

Macclosky, R.1968, Political Participation, International Encyclopedia of Science, Voll.11.New York: Macmillam.

McClurg,S.D,2003,Social Networks in Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political participation in Explaining Political Participation Political Research Quarterly,56,December.

Nie,Norman,H & Verba,1975,Sidney, ,Political Development,Handbook of Political Science,Vol.4,Massachusettes,Adision Wesley Publishing Company.

Nie, Norman.H & Verba, 1972, Sidney, Participation in American: Equality and political Democracy, New York: Harper and Row.

Rosenstone Steven J., John Mark Hansen, 1993, Mobilization Participation and Democracy in America, New York: Macmillan.

Rush,M.1992,politics & Society,An Introduction to Political Sociology,London:Harvester Weat sheaf,chapter G,Political Participation.

Vanhanen,Tatu,1990,The Process Democratization:A Comparative Study of 147 states,1980-1988,New York:Crane Russak.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]